

در باره پرونده محاکمه آقایان خامنه ای، احمدی نژاد و سپاه پاسداران در دادگاه آمریکا

اخیراً شنیده شد که یک ایرانی از طرف خود و به نیابت از طرف آسیب دیدگان از اقدامات آقایان خامنه ای، احمدی نژاد، سپاه پاسداران و به طور کلی جمهوری اسلامی، در یکی از دادگاه های آمریکا اقدام به طرح شکایت کرده است. حقوقدانان جنبش سبز مردم ایران بر آن شدند تا این موضوع را بررسی کنند. مطلب حاضر خلاصه ای از نتیجه این بررسی است.

بدواً لازم به توضیح است که:

(۱) موضوع این پرونده دعوی مسئولیت مدنی است. یعنی شکایت طرح شده، شکایتی کیفری نیست و در واقع دادخواستی است جهت مطالبه خسارت از نامبردگان (آقای خامنه ای و سایرین) به دلیل ارتکاب جرائمی که به آنها منتسب شده است.

(۲) با قدری مسامحه در تعبیر و برای ترسیم تصویر روشن تر در ذهن به هنگام مرور مطالب زیر، می توان اصطلاحات "خواهان" در پرونده های مدنی را همردیف "شاکی" در پرونده های کیفری، "خوانده" را همردیف "متهم"، و "دادخواست" را مشابه "شکایت" دانست.

(۳) متن دادخواست در واقع صرفاً برای تشکیل پرونده توسط خواهان ها، و تشخیص قابلیت استماع دعوی و احراز صلاحیت ذاتی (صلاحیت دادگاه در ورود به موضوع) و صلاحیت محلی (صلاحیت دادگاه به لحاظ حوزه قضائی) بر اساس قوانین حاکم بر مقر دادگاه، مبحث احاله در حقوق بین الملل خصوصی و سایر متغیرهای حقوقی توسط قاضی، تنظیم شده و وکلاء مربوطه در مرحله بعد باید اسناد و مدارک را به دادگاه تقدیم کنند تا فرصت دفاع برای خواندگان فراهم آید. به نظر می رسد با توجه به وضعیت اقامت خواهان، قوانین فدرال و محلی آمریکا و سایر مقررات مورد توجه دادگاه، و شمول استثنائات مربوط به مصونیت حاکمیت خارجی طبق قوانین مربوطه در آن کشور، دادگاه صلاحیت خود را که احراز نموده نهائی کند و این محاکمه صورت پذیرد. با توجه به اینکه اموال خواندگان (یا به عبارتی اموال ایران) هم به طور قانونی و هم به طور غیرقانونی در دنیا از جمله برخی کشورهای آفریقائی و اروپائی پخش است و آمریکا از آن به خوبی خبر دارد، اجرای حکم با مشکل چندانی از این جهت مواجه نباشد مگر اینکه تا قبل از صدور حکم نهائی، تغییراتی اساسی در موقعیت خواندگان (آقایان خامنه ای، احمدی نژاد، و غیره) در حکومت پیش بیاید که در این صورت مسئله وارد فاز جدیدی خواهد شد که امکان حفظ منافع ملی با سازوکارهایی پیچیده در دسترس قرار می گیرد. اما تا زمانی که خواندگان همچنان در مسند قدرت باشند، دفاع از منافع ملی بسیار سخت خواهد بود.

(۴) در جریان محاکمه دیکتاتور سابق شیلی، آگوستو پینوشه، مقامات قضائی کشور شیلی نهایت تلاش خود را به عمل آوردند تا دیکتاتور سابق کشورشان به دست ملت خود محاکمه شود چرا که در عرف بین الملل چنین امری نشان از استقلال کشور دارد. اما با توجه به وضعیت دستگاه قضائی در ایران، عملاً این امکان از ملت سلب شده است و متأسفانه از این جهت هم ملت شاهد ناروایی است.

در اینجا به اختصار محتویات دادخواست از حیث، طرفین دعوی، موضوع دعوی و اتهاماتی که بر اساس آن، این دعوی حقوقی مطرح گردیده است را مرور می کنیم:

خواهان این دعوی یک خانم ایرانی است. برادر ایشان که دانشجوی دانشگاه تهران بود، پس از دستگیری در جریان سرکوب های اعتراضات دانشجویی در سال ۱۳۷۸ شمسی، دستگیر و روانه زندان اوین می شود و بنا به اظهار خواهان، پس از چند سال شکنجه،

سرانجام در سال ۱۳۸۵ در زندان اوین به قتل می‌رسد. این خانم با طرح این شکایت از طرف خود، و با استفاده از "شکایت جمعی" اقدام به طرح دعوی از طرف خود و سایرین نموده است. "شکایت جمعی" تأسیسی حقوقی است که در اغلب کشورهای دارای سیستم حقوق عرفی یا "کامن لا" وجود دارد و طی آن خواهان (اصلی) با اخذ حکم از دادگاه، هم خود به نتیجه می‌رسد و هم راه را برای هر کس دیگری که بعداً نشان دهد که وضعی مشابه خواهان اصلی یا در چارچوب مسائل مطروح در رأی دادگاه داشته است، باز می‌کند تا دیگران بدون نیاز به طی همان مراحل دادرسی یا محاکمه مجدد در دادگاه بتواند از مزایای آن حکم بهره‌مند شود و مثلاً در این مورد بتواند از خوانندگان خسارت دریافت کنند.

مبلغ خسارت مورد مطالبه در پرونده، به طور فردی و جمعی برای کلیه کسانی که خود یا بستگان شان در داخل و خارج از ایران به نحوی از انحاء بابت اعمال منتسب به خوانندگان در طول نزدیک به سه دهه، دچار آسیب‌های جسمی و روحی (دستگیری غیرقانونی، شکنجه، مرگ، و غیره) شده‌اند، بیش از ده تریلیون (۱۰^{۱۳}) دلار آمریکا است.

در باره موضوع شکایت (یا به عبارت صحیح‌تر، دعوی مدنی)، در متن ترجمه دادخواست که اصل انگلیسی آن در سایت دفتر وکالت طرح‌کننده دعوی علیه نامبردگان فوق موجود است، چنین آمده است:

"این دادخواست، شکایتی جمعی است جهت مطالبه خسارات ناشی از تهاجم، حمایت از تروریسم، جنایات علیه بشریت، نقض حقوق بشر و حقوق مدنی، شکنجه بستگان متوفای خواهان اصلی و سایر خواهان‌های پرونده، که خوانندگان و عوامل آنان بالمشافه و همچنین از طریق هماهنگی، معاونت، مشارکت، تسهیل و سیله، درخواست، هدایت، سازماندهی و تبانی با احد از خوانندگان یعنی ارتش پاسداران انقلاب اسلامی که به آنان "سپاه پاسداران انقلاب اسلامی" ("IRGC") اطلاق می‌شود، القاعده و طالبان، و سایر گروه‌ها و کشورهای تروریست و همدستانشان در آن اعمال خشونت بار، با نقض حقوق ملل، حقوق بین‌الملل، قوانین ایالات متحده آمریکا و ایالت‌های آن از جمله منطقه کلمبیا، و حقوق طبیعی انسان‌ها مرتکب شده‌اند."

توضیح اینکه این بخش از دادخواست در مورد ناظر بر اعمالی است که گفته می‌شود خوانندگان در خارج از مرزهای ایران مرتکب شده‌اند. در متن دادخواست همچنین آمده است:

"دادخواست جمعی حاضر توسط خواهان اصلی و به نیابت از تمامی ایرانیانی مطرح می‌شود که حقوق بشر و حقوق مدنی شان پایمال شده، مورد ضرب و شتم، و شکنجه قرار گرفته و حتی به قتل رسیدند تا رژیمی خبیث، نامشروع و غیر انسانی و افراطی در قدرت بماند که هزینه آن بر دوش مردم بزرگ، شجاع، دوست‌غرب، بسیار تحصیل کرده با تمدن پرمایه پارس که سابقه زندگی در آزادی، و تمایل به آزادی مجدد از سرکوب و نقض حقوق اولیه بشر، را دارند تحمیل شده است."

این موضوع کلی، در متن دادخواست، به چهار مورد تفکیک شده است:

۱) دست داشتن در تروریسم و/یا فراهم کردن حمایت عملی از سازمان‌های تروریستی

۲) ضرب و شتم

۳) تحمیل عمدی رنج روحی

۴) کشتن بدون استحقاق (قتل)

خوانندگان دعوی عبارتند از:

۱) آقای سید علی حسینی خامنه ای

۲) آقای محمود احمدی نژاد

۳) سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

۴) حکومت جمهوری اسلامی

به طور مشخص، در باره آقای خامنه ای، ضمن برشمردن سوابق ایشان، چنین اظهار شده است: "مشارالیه کنترل نیروهای نظامی ایران، سپاه پاسداران (احد از خواندگان) و سایر ابزارهای اعمال فشار خائنانه به منظور تحت سلطه در آوردن مردم ایران را در دست دارد که وی را قادر ساخته تا قدرت را در ایران در دست داشته باشد." در جایی دیگر می افزاید:

"مشارالیه نقش ترغیب گروه های تروریستی را در منطقه بر عهده داشته است و مسئولیت ایفای نقش اصلی رهبری این گروه ها را از طریق فراهم کردن منابع مالی، آموزش، تجهیز و بسیج گروه های تروریستی توسط رژیم اش را بر عهده دارد و به سازماندهی حملات به افراد، دول و منافع غربی کمک کرده است. تنفر وی از ملت خود، و آمریکا و متحدانش، در سخنرانی هایش در طول سالیان به ویژه هنگامی که هدایت شعارهای "مرگ بر آمریکا" توسط پیروان مذهبی اش را بر عهده دارد، مشهور بوده است. تمام ایرانیانی که با رژیم وی مخالفند و به ابراز عقاید خود می پردازند برچسب غریزه می خورند و مورد مجازات های بی رحمانه از جمله شلاق در ملاء عام، حبس بدون تفهیم اتهام، زندان انفرادی، شکنجه و حتی مرگ قرار می گیرند. این مجازات ها بدون ترحم یا تمایز بین زنان، کودکان، افراد مسن یا هر کس دیگری که برای قبضه مطلق قدرت توسط خامنه ای خطر محسوب گردد اعمال می شود."

در مورد آقای احمدی نژاد، دادخواست عنوان می دارد که:

"خواننده احمدی نژاد از سال ۲۰۰۵ رئیس جمهور ایران بوده است و اخیراً ادعا می کند که در یک انتخابات همراه با تقلب، مجدداً به این سمت برگزیده شده است. در حالی که این انتخابات به دلیل متقلبانه بودن در کشوری که تقلب در آراء امری فراگیر است و فساد یک قاعده محسوب می شود در سطح جهانی مورد انتقاد قرار گرفته است."

"خوانندگان در سرکوب مخالفان با استفاده از تاکتیک های پلیسی و نظامی وحشیانه با هم به طور هماهنگ عمل کردند تا از طریق وحشت، سرکوب و نهایتاً تقلب در آراء و دستکاری در انتخابات همانگونه که در وقایع اخطر شاهد بودیم که منجر به اعتراضات گسترده و متأسفانه شدت عمل دولت از طریق ضرب و شتم، ارباب و قتل و نیز جلوگیری از آزادی مطبوعات شد، قدرت را کاملاً در دست خود حفظ کنند."

دادخواست ضمن بر شمردن برخی از موارد اتهامی و سوابق هر یک از خواندگان، مواردی را هم به عنوان اتهامات کلی و مشترک آنان ذکر می کند که بعضی از آنها بدون نیاز به توضیحی در اینجا به دنبال هم درج می گردند:

"خوانندگان به طور مستقیم مسئول شکنجه و قتل [برادر خواهان اصلی] و سایر زندانیان سیاسی در اوین و سایر اماکن هستند چرا که نگهداران زندان و سایر عوامل دولت طبق دستورات خوانندگان عمل می کردند و سیاست های رسمی مربوط به سرکوب، وحشیگری، شکنجه، ارباب و قتل کسانی که همانند [برادر خواهان اصلی] دشمن دولت ظالم بودند را اجراء می نمودند."

”سوء استفاده های فوق الذکر اعمالی خشونت بار با قصد قبلی و با انگیزه سیاسی بودند که علیه غیرنظامیان غیرجنگجو به منظور القای وحشت، هدف قرار دادن مخالفان سیاسی و به طور کلی ایجاد وحشت در بین مردم غیرنظامی جهت پیشبرد اهداف اسلامی از نوع افراطی و منحرف آن و به منظور حفظ قدرت در دولت ایران صورت گرفت.“

”قتل و سایر اعمال تروریستی مستوجب مسئولیت مدنی و نقض حقوق بشر و دیگر اعمال شبه جرم علیه خواهان اصلی و سایر خواهان های این گروه به وسیله رفتار غیرانسانی و وحشیانه خوانندگان و اعمال فردی و دولتی آنان به شرح فوق الذکر امکان پذیر شد و حتی مورد تشویق قرار گرفت.“

”... خوانندگان مستقیماً یا از طریق عوامل شان حمایت اساسی از سازمان های گوناگون تروریستی به عمل آورده اند که اعمال شیطانی را علیه اهداف غیرنظامی و نظامی به منظور ایراد حداکثر میزان تخریب بدون توجه به زندگی انسان ها مرتکب شده اند و این حمایت به صورت پرداخت پول به طور مستقیم، آموزش، تجهیز و بسیج [آنان] بوده است و نتیجه مستقیم این حمایت شکنجه، قتل، و جرائم علیه بشریت و نسل کشی بوده است.“

”رفتار خوانندگان تنها دلیل بلاواسطه بود که موجب تحمیل رنج روحی شدید و مداوم بر خواهان اصلی و سایر اعضای این گروه از خواهان ها که موضوع نقض حقوق بشر، شکنجه و احتمالاً دستگیری های نادرست، قتل، نسل کشی و از دست دادن آزادی قرار گرفتند شد. به عنوان نتیجه مستقیم و بلاواسطه رفتار تعمدی، غیرمسئولانه، توهین آمیز و غیر قابل تحمل تک تک خوانندگان، منفرداً و مجتمعاً، خواهان اصلی و سایر اعضای این گروه از خواهان ها دچار خسارات اساسی از جمله شامل رنج شدید روحی، تشویش ذهنی، ترس مبرم و اضطراب و سایر تبارزات جسمی ناشی از رنج روحی مانند بی خوابی، درد کمر، سردردهای میگرنی، ناراحتی های قلبی، از دست دادن حس عزت نفس، عصبی شدن، دلواپسی، از دست دادن همراهی و مجالست [با بستگان] و سایر تبارزات رنج جسمی و روحی شدند. خسارات مورد مطالبه خواهان اصلی و دیگر اعضای این گروه از خواهان ها به مراتب بیش از ده تریلیون دلار آمریکا است.“

”... این خوانندگان بودند که دستورات در خصوص چگونگی برخورد با زندانیان سیاسی، شامل دستوراتی برای شکنجه و ایراد صدمه منجر به نقص عضو و کشتن آنان، را به منظور اجرای نقشه شان در عملی ساختن نسل کشی علیه شهروندان خود که تفسیر افراطی و منحرف آنان از اسلام را زیر سوال می بردند صادر کردند.“

با توجه به اینکه ظاهراً طرح شکایات کیفری علیه آقایان خامنه ای، احمدی نژاد و دست اندر کاران کشتارها (عمدتاً اعضای باند کوتاچیان فعلی)، توسط برخی نیروهای مخالف، در مراجعی همچون دیوان کیفری بین المللی در حال تکوین است احتمال آن می رود که در صورت عدم غلبه ملاحظات سیاسی کشورهای بزرگ و تأثیرگذار، جهان شاهد تشکیل یکی از قطورترین پرونده های کیفری تاریخ باشد. شاید هم تا آن زمان، این سیب هزار چرخ بخورد.

حقوقدانان جنبش سبز مردم ایران

چهاردهم آبان ۱۳۸۸

<http://greenlawyers.wordpress.com>